



## حقوق فضا

(۳)



رویدادهای جنگ جهانی دوم، مشابهاً انگیزه‌هایی که پیش از کنفرانس صلح پاریس پیش آمد نشان داد که بیک قرارداد در زمینه هوانوردی بین‌المللی نیاز فوری موجود است تا از مناقشات گوناگون و مستمر بین کشورهای پیروز در این جنگ و بی طرف‌ها جلوگیری شود. در ماه نوامبر سال ۱۹۴۴ کنفرانسی بدین منظور با شرکت نمایندگان ۵۲ کشور در «شیکاگو» تشکیل شد. دولت اتحاد جماهیر شوروی با اینکه دعوت شرکت در این کنفرانس را پذیرفته بود بعد از شرکت نمایندگان دولت‌های اسپانیا و پرتغال و سوئیس از شرکت در آن خودداری کرد.

در مورد ماهیت حقوقی فضای بالای قلمرو کشورها، در این کنفرانس هم نظرهای مختلف بود. دولت انگلستان طرفدار اصل حاکمیت دولتها بود ولی دولت آمریکا، که در آن موقع از رقابت هوایی هیچ دولتی بیم نداشت، طرفدار اصل آزادی هواپیمایی بین‌المللی بود و برای این منظور پیشنهاد کرد که فضایی که هیچ دولتی نباشد تا تمام ملتها بتوانند با آزادی کامل و بطور مساوی از آن بهره برداری کنند. پس از بحثهای زیادی سرانجام ماده (۱) قرارداد هواپیمایی غیر نظامی «شیکاگو» عیناً مانند ماده اول قرارداد پاریس تنظیم گردید و بموجب آن: دولت‌ها حق حاکمیت کامل و انحصاری نسبت به فضای بالای قلمرو خود دارند. با وجود اصل حاکمیت کامل و انحصاری دولتها، حق آزادی پرواز برای دول متعاقد برسمیت شناخته شده است.

قرارداد هواپیمایی غیر نظامی بین‌المللی مهمترین قراردادی است که در این کنفرانس تنظیم گردید. زیرا اولاً بمحض اجرا نشین قراردادهای پاریس، مادرید و لاهان شد و ثانیاً متضمن یک سلسله مقررات کلی مورد قبول دولتها در باره هواپیمایی بین‌المللی است. این قرارداد تا سال ۱۹۶۱ با امضای ۶۷ دولت از جمله دولت ایالات متحد آمریکا شمالی، انگلستان، کانادا، فرانسه و ایران (۱) رسیده است.

(۱) در ۲۸ تیر ماه ۱۳۲۸ قانون هواپیمایی کشوری ایران مشتمل بر ۳۵ ماده بتصویب مجلس شورای ملی رسید. ماده ۱۳ این قانون میگوید «دولت حق حاکمیت مطلق و انحصاری در فضای بالای قلمرو زمینی و آب‌های ساحلی آنرا دارا می‌باشد»

متأسفانه در قرارداد «شیکاگو» هم مانند قرارداد پاریس اصطلاح *Airspace* تعریف نشده است. از طرف دیگر اصطلاحات فنی ملحقة به آن از جمله شماره ۶-۷-۸- همان تعریف هواپیما را که در قرارداد پاریس شده بود نگه داشته است و هواپیما را با این عبارت تعریف کرده است:

«هر ماشینی که بتواند در نتیجه واکنش هوا در فضا حرکت کند» برخی از مفسران با اتکاء به این تعریف تأکید کرده اند که قرارداد شیکاگو در مورد سفینه های فضایی قابل اجرا نیست. زیرا تعریفی که در قرارداد شیکاگو از هواپیما شده است در مورد سفینه های فضایی مصداق ندارد. مطابق این تفسیر این قرارداد هرگز این قصد را نداشته است چیزی را جز هوا نوردی غیر نظامی شامل شود و تعریف آن از هواپیما عقلاً و منطقاً نمیتواند آنقدر گسترش داده شود که برای چیزهای جدید و پیش بینی نشده فضا نوردی نیز صادق باشد. در این مورد نظرس مخالف هم هست از جمله *Bin Cheng* مؤلف آمریکایی در مقاله ای زیر عنوان «از حقوق هوایی تا حقوق فضایی» مینویسد «اصل حاکمیت انحصاری بر فضای بالای قلمرو برای دولتها، که در حقوق هوایی بین المللی بوسیله قرارداد شیکاگو شناخته شده است در مورد حقوق فضایی بین المللی هم بهمان ترتیب معتبر است.

ماده ۸ قرارداد شیکاگو اجازه قبلی یک دولت را برای پرواز از قلمروش برای هواپیماهای بدون خلبان ضروری میدانند. کوشش عده ای از مفسران این قرارداد برای اینکه را کتهای بالیستیک را مضمول این ماده ندانند و تبعاً پرواز آنها را محتاج بکسب اجازه ندانند با شکست مواجه شده است. این عده میگویند که مقررات ماده ۸ قرارداد شیکاگو در مورد قمرهای مصنوعی که در ارتفاع خیلی زیادی پرواز میکنند قابل اجرا نیست. این کوشش مفسران، این حقیقت را از بین نمیبرد که چنین تفسیرهایی اغلب از طرف سخنگویان دولت های بزرگ که رهبر اکتشافات فضایی هستند رد شده است. فی المثل مشاورین حقوقی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرده اند که این دولت هیچ نوع حدی از نظر ارتفاع برای حاکمیت خود نشانخته است. بعلاوه هنوز این کشور تعریف مشخصی برای اصطلاح *Airspace* که در قرارداد شیکاگو آورده شده است قبول نکرده است. دولت شوروی هم عیناً همین نظر را دارد. شوروی که پیشرفته ترین رقیب آمریکا در اکتشافات فضایی است ادعا میکند که نه فقط حاکمیت انحصاری و کامل بر قلمرو هوایی خود دارد بلکه هرگز حدی برای حاکمیت خود از نظر ارتفاع نشانخته است.

آقای *Kovalev* یکی از حقوقدانان شوروی در انجمن حقوق بین المللی شوروی نظر آن کشور را بدین شرح خلاصه کرد «بعقیده محققان شوروی اصل حقوق فضا باید بر پایه شناسایی این حقیقت قرار گیرد که: حق حفظ و تأمین امنیت یکی از حقوق اساسی کشورهای مستقل است و اصل احترام به حاکمیت کشورها مهم ترین و مقبولترین اصلی است که در حقوق بین المللی شناخته شده است»

نظر دولت شوروی درباره حقوق حاکمیت بر قلمرو هوایی ملی اینست که مرز و حد فضای ملی هر کشور باید بوسایل هندسی بصورت یک مخروط معکوس فرضی که رأس آن مرکز فرضی زمین باشد تعیین گردد. در این فضای مخروطی فرضی تمام مرزهای ملی کشورها بهم می پیوندند. این «تئوری» با طرز عمل کشورهای هم که آنرا برای اینکه پایه یک موافقت نامه

بین‌المللی قرار بگیرد مناسب نمیدانند تطبیق میکند.

تجربه نشان داده است که بعلمت پیشرفتهای دایمی که در فن‌هواپیمایی و فضا نوردی حاصل میشود نمیتوان حدی برای حاکمیت دولتها در فضای ملی آنان قایل شد و از آن بالاتر رمانند دریای آزاد برای تمام بشریت آزاد اعلام کرد و بهمین جهت این «تئوری» در مقابل «تئوری» حاکمیت انحصاری دولتها بر فراز قلمروشان شکست خورده است. بهر حال رخنه بشر به فضا که در اثر یک سلسله پیشرفتهای علمی و فنی هوا نوردی ممکن شده، روشن ساخته است که قرارداد های صحیح فضایی بین‌المللی نمی‌تواند بدین ترتیب تنظیم گردد که متکی بر مرزهای نیمه ثابت و قابل تغییر بین فضای ملی، بعد یک فضای آزاد و بعد یک فضای بالاتر باشد. اگر بنا باشد اساس قرارداد های آینده فضایی علمی باشد این روش نمیتواند اجرا شود. بحث های شدیدی که در کمیته سیاسی مجمع عمومی ملل متحد در این باره شده است مؤید این نظر است. در این مورد البته نظر مخالفی هم وجود دارد. از جمله عده ای از مؤلفین امریکایی عقیده دارند که میتوان حدی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میل برای فضای ملی کشورها معین کرد و از آن بالاتر برای استفاده صلح جویانه از فضا برای تمام کشورها آزاد باشد.

باید یاد آوری کرد که پیشرفتهای فنی نه فقط در موشکها بلکه در انواعی از هواپیمایها از جمله هواپیمای U-2 و اخیرا هواپیمای X15 که تعریف هواپیمای ما از دست نداده اند نیز حاصل شده است. این امکان وجود دارد که در آینده قمرهای مصنوعی نه فقط در یک ارتفاع خیلی بالا پرواز کنند بلکه در ارتفاع پایین تر و حتی در حد قوه جاذبه زمین بطور دائم پرواز نمایند. واضح است که در این صورت واجب میشود که حدی برای حاکمیت ملی کشورها در هوا بصورت یک قرارداد بین‌المللی معین بشود که در کجا فضای ملی یک کشور پایان مییابد و فضای بین‌المللی شروع میشود. علاوه بر این تجارب نیمه اول قرن بیستم نشان داد که هر قرارداد بین‌المللی که در مورد هوا نوردی نوشته و تنظیم شود باید پایه ای پیشرفتهای علمی مورد تجدید نظر قرار گیرد. در شرایط جدید علوم و تکنیک فضا نوردی باید قواعد حقوقی اثرات فعالیت های فضایی را در امنیت نظامی و اقتصادی دولتها بدون توجه به وسعت یا ارتفاعی که در آن چنین فعالیت هایی ممکن است انجام شود در نظر بگیرد. اصطلاحات «استفاده از فضا» و «فعالیت های فضایی» نه فقط شامل سفینه های فضایی بلکه شامل تمام فعالیت های علمی و تکنیکی زمینی و در ارتفاع کم، که مقدمات پرتاب موشک یا سفینه فضایی هم جزء آنهاست، میشود، بدون توجه به اینکه آیا این فعالیتها یا استفاده ها در داخل یا خارج قلمرو زمینی تحت صلاحیت و حاکمیت انحصاری داخلی یک دولت انجام میشود یا خیر؟ یک چنین نظر اساسی میتواند پایه یک حقوق فضایی و هوایی بین‌المللی معتبر و بامعنی قرار بگیرد.

بعضی از مؤلفین فضای آزاد را با دریای آزاد مقایسه و سعی میکنند یک تعریف حقوقی برای آنچه که استفاده صلح جویانه از فضا را مشخص کند بیابند و میگویند هر نوع استفاده از فضا که خود حمله ایرا تشکیل نمیدهد و تهدید به حمله هم نیست در دریای آزاد مانند فضای آزاد مجاز است. فی‌المثل هر دولتی میتواند برای حفظ و نگاهداری نیروی دریایی خود از دریای آزاد استفاده کند بدون اینکه تجاوزی به حقوق بین‌الملل تلقی بشود. تناقض اینجاست که وقتی دولتها مجاز باشند در دریای آزاد سلاح‌ها را آزمایش کنند میتوانند در فضای آن هم سلاحهای فضایی

را آزمایش کنند و هیچ نیرویی نمیتواند با آنها اعتراض کند، همانطور که مشاهده میشود نظریه مزبور که بصورتدکترین دریای آزاد بیان شده است اثرات این فعالیتهای فضایی را بحساب نمیاورد. بدیهی است که حقوق فضای آینده باید اثرات فعالیتهای فضایی را بشناسد و بان پی ببرد و بالاخره دولتها پس از مدتی اصرار برای حفظ حاکمیت انحصاری بر فضا و فعالیتهای فضایی از آن دست بکشند و یک قرارداد بین المللی امنیت این کشورها را تضمین کند. اگر پس از این فراتر نهمیم در مرحله فعلی که صحبت از تغییر بعضی از مقررات منشور ملل متحد است یک آژانس فضایی بین المللی زیر نظر مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صلاحیت عملی نامحدود بر تمام کشورها تاسیس شود و بتواند طرحهایی برای استفاده صلح جویانه از فضا بریزد. شکی نیست که پیشرفتهای علمی خیره کننده اخیر در تسلیحات فضایی حمله ناگهانی را از فضا بر تمام قلمرو یک کشور تسهیل کرده است و فقط بوسیله یک سلسله قراردادهای بین المللی قاطع میتوان بشریت را از این خطر نجات داد و یک اقدام حیاتی بعمل آورد. یکی از بزرگترین موانع برای رسیدن به توافق اساسی درباره حقوق فضا اشکال در قبولانیدن و پذیرفتن یک نظر واحد بین المللی است درباره موارد استفاده صلح جویانه از فضا، به همین جهت بحث درباره این مایک اولین قدم برای نزدیک شدن اساسی به حقوق فضا است تا موقعی که درباره تعریف استفاده صلح جویانه از فضا توافقی حاصل نشود ارزش حقوقی قواعد آینده فضایی مورد شک و تردید خواهد بود. از طرف دیگر هیچ مذاکره ای مربوط به حقوق فضا به نتیجه نخواهد رسید مگر اینکه نتایج آن از طریق یک سیستم بازرسی و کنترل تضمین شود.

بکار بردن این دو اصطلاح یعنی «مقاصد صلح جویانه» و «سیستم بازرسی و کنترل» سبب شده است که بین ایجاد یک نظم حقوقی بین المللی که حاکم بر فعالیتهای فضایی باشد و خلع سلاح بستگی شدیدی پیدا شود.

امروز تعریف اصطلاح «استفاده صلح جویانه» از فضا است که بساید بطور قطع و بروشنی استفاده های مجاز و ممنوع از فضا را معین کند. تعریف این اصطلاح بیشتر از تلاش برای توافق درباره مرزهایی برای فضای ملی و شکل حقوق فضا را تشکیل میدهد. بهر حال باید خاطر نشان بشود که فعالیتهای فضایی اعم از اینکه تابع قراردادهای آینده یا عرف های آتی باشد یا نباشد نمیتواند دولت ها را از این قید که منشور ملل متحد برای آنها معین کرده است که اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز حل و فصل نمایندرها کند.

در پایان مختصراً باید یادآوری شود که تمام مؤلفین حقوقی در این باره متفق القولند که علاوه بر موضوع محدود بودن فضا برای استفاده صلح جویانه، قسمت حیاتی دیگر این کار برای حقوق فضای آینده ایجاد یک سیستم بازرسی و کنترل بین المللی است برای تمام استفاده های ممکن از فضا و بررسی جامع و کلی در این باره ما را به این نتیجه میرساند که جواب اصلی در نیمه اول قرن بیستم عبارت بود از برقراری حاکمیت انحصاری کشورها بر قلمرو هوایی ولی مسأله اساسی امروز عبارت است از معطوف کردن توجه در نظارت بین المللی با قواعد بین المللی یحدی که تمام فعالیتهای فضایی زیر نظارت واحد بین المللی در بیاید. آنوقت میتوان امید داشت که فعالیتهای پیشرفتهای فضایی در جهت خیر و صلاح بشریت ادامه پیدا خواهد کرد و خطری از آن متوجه هیچ ملت و هیچ کشوری نخواهد شد.